

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ویژگیها و تضاد ادب و روان معاصر

دکتر علی بروزگر

پس از انقلاب مشروطه مبارزان و آزادی خواهان تلاش کردند تا قوه قضائیه مستقل و با دانش و تخصص لازم در ایران به وجود آید تا بتواند با استفاده از قوانین، تعارض‌ها و درگیری‌های جامعه را حل و فصل نموده و از حقوق ملت در برابر حکومت پاسداری نماید. در این جا به برخی از ویژگی‌های نظام قضائی امروز کشور اشاره می‌شود:

باید واقف به تحول علم قضا باشد و در مرحله انشای حکم به یافته‌های جرم‌شناسی و نظر کارشناسی پزشکی قانونی توجه کند. به گفته یکی از وکلای دادگستری، بهره بردن قضات از دانش قضائی که در آرا و احکام صادر شده از سوی آنان دیده می‌شود، پیامدهای ناخوشایندی دارد که به نبود امنیت اقتصادی و اجتماعی در جامعه و سلب اعتماد عمومی از دادگستری می‌انجامد. تصدی رتاست این قوه مستلزم تحصیلات حقوقی و تجربه کاری است. علم فقه برای آگاهی از امور قضائی کافی نیست، زیرا حقوق مقوله‌ای جدا از فقه است."

ج - ساختار

از ویژگی‌های ساختاری نظام قضائی پس از انقلاب، یکی آن است که نظام قضائی گذشته و دادگاه‌های تخصصی منحل و وظایف آنها بر عهده دادگاه‌های عام و مجتمع‌های قضائی گذاشته شده است. شکل‌گیری دادگاه‌های عام باعث شده است که با وجود فراوانی مجتمع‌های قضائی محاکم هم چنان شلوغ و ارباب رجوع سرگردان باشد و به خاطر نبودن تخصص و آشنایی به انواع دعاوی که در روابط پیچیده و متنوع

سمت و محل خدمت قاضی اختیار کامل داده است. در عرف حقوقی، هر نظام قضائی که در آن قاضی ثابت نبوده و قابل تغییر باشد، غیرمستقل خوانده می‌شود.

ب - نیروی انسانی متخصص

نیروی متخصص، قلب هر نظام است. نظام قضائی ما دو اشکال عمده دارد؛ یکی کمبود نیروی متخصص و دیگری نبود حس وظیفه‌شناسی. امروزه در ایران، مطالعات قاضی محدود به کتاب‌های قدیمی مانند "شرح لمعه" و "جوهر" است و گمان می‌رود که یک فرد با خواندن این کتاب‌ها می‌تواند قاضی شود. از این رو، قاضی از حقوق مدنی و حقوق سایر کشورها و علوم مرتبط با آن مانند جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی کم اطلاع یا بی‌اطلاع است. در حالی که حداقل باید کتابی مانند "الوسیط" که در آن یک دوره کامل حقوق اروپا طرح شده است، در مجموعه کتاب‌های درسی قضات قرار گیرد. فرضیه‌هایی در حقوق کیفری مطرح است که هدف حقوق کیفری را مطرح می‌کند و بر این اساس هدف را مجازات مجرم نمی‌دانند. بنابر این به طور مثال نباید بررسی شود که برای مبارزه با دزدی چه طرحی ارائه شده است؟ به همین دلیل قاضی

الف - استقلال قوه قضائیه

در ایران، حکومت‌ها غالباً گرایش به استبداد داشته‌اند؛ از این رو پناه بردن مردم به قانون، در واقع تلاش برای تعیین حد و مرزهایی برای حکومت و رهایی از تجاوز عمال آن بوده است. از نگاه تاریخی، قضا همیشه بخشی از حکومت بوده و استقلال نداشته است. از سوی دیگر چون تعریف روشنی هم از حق و حقوق و آزادی‌های فردی وجود نداشته و حدود این حقوق به تعریف قاضی یا نماینده دولت وابسته بوده است آرزوی داشتن یک نظام قضائی مستقل در واقع طغیان علیه حکومت محسوب می‌شده است.

اگر چه در مواد ۸۱ و ۸۲ قانون اساسی مشروطه استقلال قوه قضائیه تضمین شده بود، اما تصویب یک لایحه پنج ماده‌ای در مجلس شورای ملی، اصل ۸۲ متمم قانون اساسی که دلالت بر استقلال قضات داشت به گونه‌ای تعبیر شد که استقلال قاضی و در نتیجه قضاوت را از بین برد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم اصل ۱۵۶ تصریح بر استقلال قوه قضائیه دارد، اما اصل ۱۶۴ قانون اساسی به رئیس قوه قضائیه در تغییر



ماده ۱۷۷ قانون جدید اجازه می‌دهد که به محض وصول پرونده، جلسه دادرسی تشکیل و متهم محاکمه شود. در این شرایط متهم نگون بخت چگونه می‌تواند خود را برای دفاع آماده نماید؟ از آن بالاتر این که قانون‌گذار اضافه می‌کند؛ چنانچه متهم درخواست استمهال کند و دادگاه استمهال او را موجه تشخیص ندهد، اقدام به محاکمه می‌نماید.

جهان امروز ایجاد شده است، رسیدگی حقوقی به گونه‌ای مؤثر انجام نشود. تفاوت دیگر، ساختار رسیدگی در دادگاه‌های عام، متمرکز و ضابط در این دادگاه‌ها می‌باشد. در نظام پیشین کار بر اساس مسؤلیت تقسیم شده بود و هر یک از ارکان نظام قضائی نقش و وظیفه جداگانه‌ای داشت؛ یعنی دادستان مسؤل تعقیب و بازرس مسؤل تحقیق بود و قاضی نیز وظیفه انشای حکم را بر عهده داشت. در دادگاه‌های عام هر سه وظیفه تعقیب، تحقیق و انشاء حکم بر عهده قاضی است. افزون بر این، اگر دادگاه جلسه‌ای هم تشکیل دهد، ریاست جلسه نیز با قاضی خواهد بود. در نظام گذشته دادرسی وجود داشت و فعال بود. این امر باعث می‌شد تا بسیاری از شکایات در همان مرحله بدوی و بدون رسیدگی‌های عمده اعلام شود. در مورد پرونده‌هایی نیز که به رسیدگی بیشتری نیاز داشت، وجود دادرسی باعث می‌شد تا پرونده به گونه‌ای شسته و رفته به مرحله‌های برسد. از سوی دیگر افزون بر تخصصی بودن دادگاه‌ها و محدود بودن نقش قاضی به انشای حکم، حداقل سه نفر قاضی به هر پرونده رسیدگی می‌کردند. این شیوه، افزون بر سبک کردن کار باعث رعایت حقوق متهم و نیز حقوق شاکیان می‌شد. در صورتی که در

روند کنونی، به علت این که تنها یک نفر در مورد هر پرونده مسؤلیت تعقیب، تحقیق و انشای حکم را بر عهده دارد، مدت زمان بررسی و صدور هر حکم کاهش می‌یابد و بحث‌های تخصصی در مورد هر پرونده به خاطر درگیر بودن قاضی با انواع دعاوی حقوقی، کیفری، جنایی و غیره نادیده گرفته می‌شود. از این رو، یکی از صاحب‌نظران امور قضائی گفته است که قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب بدترین قانون است که تا کنون در مورد دادگستری تصویب شده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های ساختار قضائی در ایران، آن است که با وجود جایگزینی دادگاه‌های عام به جای دادگاه‌های تخصصی، دادگاه‌های ویژه گوناگون از جمله دادگاه ویژه انقلاب، دادگاه ویژه مطبوعات، دادگاه ویژه روحانیت و دادگاه ویژه کارکنان دولت به وجود آمده است.

دادگاه‌های ویژه انقلاب، مطبوعات و روحانیت، پدیده نوینی است که پس از انقلاب به وجود آمدند. اما دادگاه ویژه کارکنان دولت سابقه دراز دارد و در زمان رضاشاه ایجاد شد. در اواخر دهه ۱۳۲۰ که مرحوم دکتر مصدق بر سر کار آمد، چون آن را خلاف قانون می‌دانست، این دادگاه را منحل کرد. اما پس از کودتای ۲۸ مرداد

۱۳۳۲ برای ایجاد فشار بر روی کارکنان دولت دوباره آن را برقرار کردند. پس از پیروزی انقلاب شورای انقلاب مجدداً دادگاه ویژه کارکنان دولت را منحل نمود و اینک دستگاه قضائی برای بار سوم آن را تشکیل داده است.

در حال حاضر تنها دو دادگاه اختصاصی در انطباق کامل با قانون اساسی است؛ یکی دادگاه نظامی و دیگری دادگاه خانواده. دادگاه خانواده در واقع اختصاصی نیست چون مربوط به همه خانواده‌هاست. دادگاه نظامی هم اختصاص به جرم خاص از گروهی خاص دارد و در همه دنیا نیز پذیرفته شده است.

د - پاسداری از حقوق فردی

میزان پاسداری از حقوق فردی و امنیت که قضا می‌تواند از فرد در برابر فشارهای حکومتی دفاع کند و به او اجازه دهد تا از همه حقوق و آزادی‌های خود بهره‌مند گردد، از ملاک‌های شناخت هر نظام قضائی است. بسیاری از حقوق‌دانان، برخورداری افراد از حقوق قانون خود در جریبان دادرسی، محاکمه و اقدامات قانون را بنیاد مهمتر از نتیجه این محاکمات و اقدامات می‌دانند. به عبارت دیگر، پایبندی به قواعد بازی مهمتر از نتایج آن است. پایبندی به قواعد است که

در قانون جدید مقرر شده است که هر وکیل دادگستری باید هر سه سال يك بار به دادگاه انتظامی قضات مراجعه و اجازه ادامه کار و کالت دریافت کند. بدین ترتیب کار و کالت با وجود قانون مصوب شورای مصلحت نظام، هنوز هم مثل اوایل انقلاب که به هیچ وجه وکیل را به رسمیت نمی شناختند، با مانع روبروست.

ملل متمدن را از ملل غیر متمدن متمایز می سازد.

آقای دکتر محمود آخوندی، حقوقدان، در نقدي بر قانون آیین دادرسی و کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب بنا رویکرد اهداف حقوق بشر می گوید: "قانون اصول محاکمات جزائی با وجود قدمت هشتاد و شش ساله حقوق و آزادی های متهم را به مراتب متر تأمین می کرد، اما ماده ۱۷۷ قانون جدید اجازه می دهد که به بعضی وصول پرونده، جلسه دادرسی تشکیل و متهم محاکمه شود. در این شرایط متهم نگون بخت چگونه می تواند خود را برای دفاع آماده نماید؟ از آن بالاتر این که قانون گذار اضافه می کند؛ چنانچه متهم درخواست استمهال کند و دادگاه استمهال او را موجه تشخیص ندهد، اقدام به محاکمه می نماید.

وقتی متهم فریاد می زند که برای تدارك دفاع و با انتخاب وکیل مهلت می خواهم، الان از گرد راه رسیده ام و به مهلت نیاز دارم، دادگاه پاسخ می گوید: خبر، لازم نیست؛ تقاضای تو را موجه نمی دهم!

در تبصره ۲ ماده مورد اشاره، مهلت حضور برای دادرسی و ابلاغ احضاریه را سه روز تعیین شده است. مهلت سه روزه برای حضور در تحقیقات مقدماتی در عرف قضائی

پذیرفته شده است ولی برای انجام دادرسی فرصت مناسبی نیست.

برابر روال موجود، در زمان حاکمیت قانون اصول محاکمات جزائی، رونوشت کیفرخواست به متهم ابلاغ می شد. در نتیجه متهم از موضوع اتهام و دلایل آن آگاه می گردید و خود را آگاهانه برای دفاع آماده می کرد.

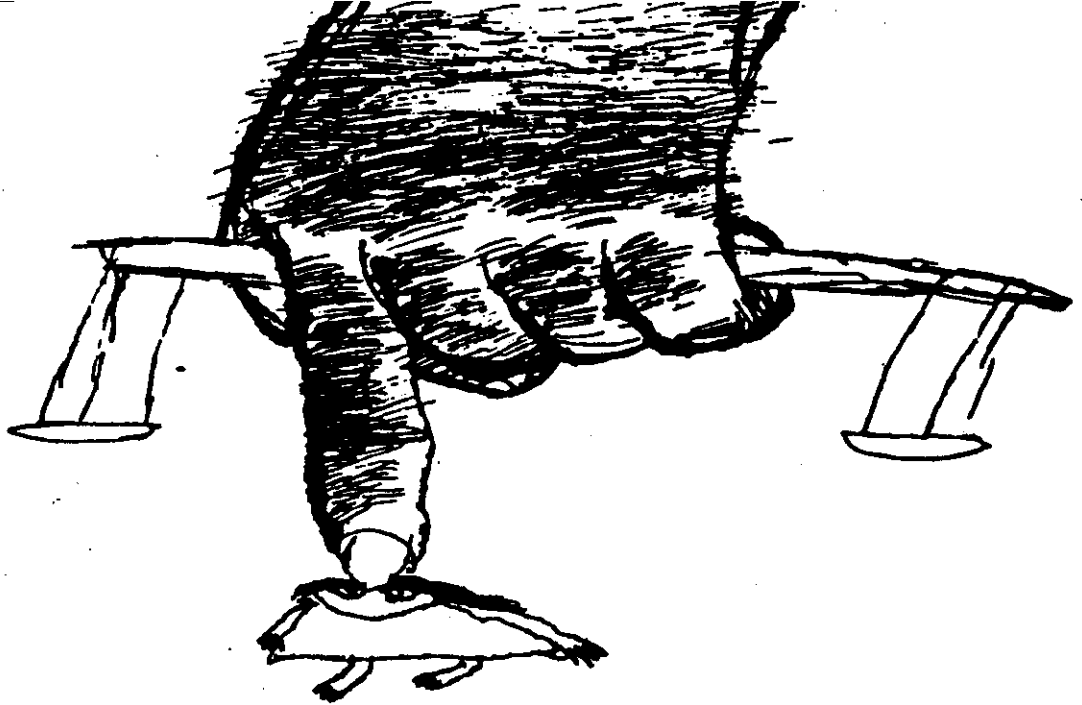
در یکی دو سال آغازین دولت آقای خاتمی که آزادی نسبی در صحنه مطبوعات به وجود آمد گله برخی از فعالان سیاسی، حقوقدانان و روشنفکران جامعه این بوده که اشکال قانون ما این است که در آن جرم سیاسی تعریف نشده است. یعنی این که مردم جامعه نمی دانند چه کارهایی جرم سیاسی تلقی می شود. احتمالاً بر اثر این اصرارها در مرداد ۱۳۷۸ قوه قضائیه پیش نویس طرحی را تهیه نمود که در جرایم به چاپ رسید. در این طرح تعریف جرم سیاسی این گونه آمده است:

جرم سیاسی عبارت است از افعال گروه های سیاسی قانونی که بدون اعمال خشونت به منظور مقابله با سیاست های داخلی و خارجی دولت انجام می گیرد و مصادیق آن به شرح زیر است: ... هر نوع ارتباط، مصاحبه، مبادله اطلاعات، تبانی و مواضعه با سفارت خانه ها، نمایندگی ها، ارگان های دولتی و احزاب و

رسانه های کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که برای آزادی، استقلال، وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد؛ مشروط بر این که از مصادیق جاسوسی نباشد. دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان، تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضله، شرکت در مجامع، جلسات و کنفرانس های سیاسی خارج از کشور بدون اخذ مجوز از مراجع ذی صلاح، نشر اکاذیب و شایعه پراکنی، انتشار اعلامیه، بیانیه، خبرنامه که مفاد آن موجب تضعیف نظام باشد...

تعریف حکومت ها از جرم سیاسی همیشه به گونه ای گسترده و مبهم بوده است که بتوانند هر گونه مخالفی را حتی اگر در چارچوب قانون باشد به عنوان جرمی سیاسی تلقی کرده و آن را دست آویزی برای سرکوب مخالفین قرار دهند.

هیچ گاه مشکل این نبوده است که تعریفی از جرم سیاسی وجود ندارد، بلکه مشکل آن است که هیچ گاه متجاوزان به حقوق فردی که همیشه در این کشور بی مهابا و بدون افسار تاخته اند، مورد بازخواست قرار نگرفته اند. از نگاه حقوق انسان، چه تفاوت می کند که متهم يك كلاهبردار، يك دزد، يك معناد و حتی يك قاتل باشد؟ آیا تنها آن که اتهام سیاسی دارد باید از حقوق حقه



این وضع تا زمان حکومت مرحوم دکستر مصدق ادامه داشت. با توجه به این که دکتر مصدق خود حقوقدان بود، لایحه استقلال قانون و کلا را امضا نمود و اداره امور و کالت و وکلا را بر عهده خود آنان گذاشت تا از راه دموکراتیک هیأت مدیره قانون و کلا را انتخاب و امور و کالت را حل و فصل کنند.

در آغاز انقلاب در مورد وکلا و کالت بحثی در میان نبود. اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح کرده است که در همه دادگاهها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند بسایند برای آنان امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. در سالهای پس از آن بارها قوانین خاصی برای تصفیه وکلا تصویب شد و بسیاری از وکلا را به عناوین مختلف تصفیه کردند. بعدها که جو انقلاب آرام تر شد و به قول بعضی ها پدر (قوه قضائیه) نسبت به فرزند خود وکلا بر سر مهر آمد و از تقصیرات نا کرده او گذشت نمود، این بنیاد بار دیگر شروع به کار کرد و شورای عالی قضائی هم اعلام داشت که قوانین و آئین نامه های قانون وکلا همه صحیح است و هیچ مبنایی با انقلاب و شریعت اسلام ندارد.

در کمتر از يك قرن شاهد دو انقلاب از این نوع بوده است.

انقلاب خشونت آمیز است و در جریان آن زبان های مالی و جنای جبران ناپذیری بر جامعه وارد می آید. از این رودر جوامع متمسکن کوشش شده است تا ساز و کارهایی برای انجام اصلاحات یعنی تغییر تدریجی به وجود آید تا ضمن فرایند تغییر، از زبان های انفجاری انقلاب ها در امان باشند. این ساز و کارها به صورت آزادی بیان، آزادی اجتماع، حق انتخاب نمایندگان و غیره تجلی پیدا می کند که هم در قانون اساسی مشروطه و هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش بینی شده است.

قانون وکلا: يك نهاد مدنی

وکالت یکی از حرفه هایی بود که با ایجاد نظام قضائی در کشور، پدیدار گشت تا مردم عادی بتوانند با کمک وکیل در جریان دادرسی به حقوق قانونی خود دست یابند. بر مبنای قانون وکالت که در بهمن ماه ۱۳۱۵ به تصویب مجلس شورای ملی رسید، وکلا دادگستری درجه بندی و سازماندهی شدند. پس از مدتی به دلیل افزایش وکلایی که از دانشگاه فارغ التحصیل می شدند، دولت موافقت کرد که تعداد ۱۸ نفر از وکلا به انتخاب وزیر با اداره دادگستری همکاری کنند.

انسان بر خوردار باشد؟ البته افراد را نمی توان بر اساس نیتشان تقسیم بندی کرد و به برخی این امتیاز را داد که با آنها مانند انسان رفتار بشود و از دیگران دریغ کرد. همه انسان ها به خاطر انسان بودنشان، شایسته بهره مندی از حقوق اولیه انسان می باشند که امروز در سطح جهان به رسمیت شناخته شده است.

به نظر می رسد جرم سیاسی موضوعی است که روشنفکران، فعالان سیاسی و وکلای آنان به اشتباه به طرح آن پرداخته اند و با این اشتباه، قوه قضائیه را با گرایش هایی که دارد به اشتباهی بزرگتر وا می دادند که آثار آن فاجعه آمیز خواهد بود. باید دید اگر طرح تعریف جرم سیاسی به صورت لایحه ای در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسد، چه مشکلی را از پیش روی ما برمی دارد؟

اما مسأله واقعی کدام است؟ به نظر می رسد يك مسأله بزرگ اجتماعی و سیاسی ها اجتناب ناپذیری "تغییر" می باشد. روابط اجتماعی در طول زمان به اجبار تغییر می کند، اما حکومت ها طبعاً گرایش به ثبات دارند و هر گونه حرکت در جهت تغییر را چالش، قدرت خود می بینند، در نتیجه واکنش نشان داده و آن را سرکوب می کنند. در این حال فشار برای ایجاد تغییر در جامعه متراکم شده و به صورت انفجار یا انقلاب بروز می کند. ما نسبت به این پدیده بیگانه نیستیم. کشور ما

تعریف حکومت‌ها از جرم سیاسی همیشه به گونه‌ای گسترده و مبهم بوده است که بتوانند هر گونه مخالفی را حتی اگر در چارچوب قانون باشد به عنوان جرمی سیاسی تلقی کرده و آن را دست آویزی برای سرکوب مخالفین قرار دهند.

در آغاز انقلاب در مورد وکلا و وکالت بحثی در میان نبود. اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح کرده است که در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنان امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

سپس از طرف کانون و به سرپرستی نمایندگان قوه قضائیه، برای بسط و در نظر گرفتن اختیارات بیشتر و آزادی در انجام وکالت، همچنین انتخاب کارآموزان بیشتر لایحه‌ای تهیه و تقدیم مجلس شورای اسلامی شد و به تصویب رسید. ولی به دلیلی که روشن نیست، آن قانون دوباره به مجلس بازگشت داده شد و این بار لایحه قبلی به کلی تغییر صورت داد و هر چه حق و اختیار برای وکیل و کانون به دست آمده بود، همه از بین رفت. کانون‌ها در هم ریخت و وکلا که در چند کانون موجود بودند همه بلا تکلیف شدند.

به نوشته مجله داخلی کانون وکلا، کانون وکلای مرکز که بیشترین عضو را دارد و از مهم‌ترین کانون‌های ایران است تجزیه شد و اعضای آن که در همه کشور پخش بودند، محدود شدند. حدود آن به قدری کوچک گردید که حتی در کرج که صدها وکیل عضو مرکز در آن شهر سکونت و اشتغال دارند از عضویت در کانون مرکز محروم شدند.

در قانون جدید مقرر شد وکلایی که مایل باشند به عضویت هیأت مدیره کانون‌ها در آیند، باید صلاحیت آنها دوباره یا چند باره به تصویب دادگاه انتظامی قضات آن هم بدون دفاع وکیل برسد، در حالی که روند بررسی

صلاحیت وکلا بارها از جهات گوناگون و به موجب احکام و رویه‌های قضائی و اقدام‌های قانونی مورد تجدیدنظر قرار گرفته و بدون اشکال تشخیص داده شده است. در حقیقت انتخاب اعضای کانون حتی از زمان که دولت اعضای کانون وکلا را انتخاب می‌کرد محدودتر شده است.

در قانون جدید مقرر شده است که هر وکیل دادگستری باید هر سه سال یک بار به دادگاه انتظامی قضات مراجعه و اجازه ادامه کار وکالت دریافت کند. بدین ترتیب کار وکالت با وجود قانون مصوب شورای مصلحت نظام، هنوز هم مثل اوایل انقلاب که به هیچ وجه وکیل را به رسمیت نمی‌شناختند، با مانع روبروست. بیشتر دادگاه‌ها وکیل را به عنوان مزاحم تلقی کرده و حتی از درسیافت نامه وکلا که به وسیله منشی و یا کارمند او فرستاده می‌شود خودداری می‌کنند.

در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۷۸ در اخبار آمده بود که دادگاه انتظامی قضات صلاحیت حدود ۲۴ نفر از وکلای دادگستری را رد کرده است. اینان خود را کاندیدای عضویت در هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری کرده بودند این عده از افرادی بودند که یا در مطبوعات دوم خرداد مطلب می‌نوشتند و یا وکیل خانواده قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای بودند.

پانوش‌ها:

- ۱- خرداد ۷ تیر ۱۳۷۸، ص. ۴
- ۲- همان، دکتر حسین نژاد، اسناد دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳- همان، ص. ۲۰۱
- ۴- همان، مسعود خسروی
- ۵- همان، صالح نیک‌بخت
- ۶- خرداد، ۲۵ شهریور، ۱۳۷۸، نقل از مهدی هادوی
- ۷- پیام هاجر، شماره ۲۷۲، ۸ تیر ۱۳۷۸، ص. ۴۵
- ۸- آفتاب امروز، ۲۰ بهمن ۱۳۷۸، ص. ۴
- ۹- مهرانگیز کار، موانع حقوقی توسعه سیاسی در ایران، نشاط، ۱۹ خرداد ۱۳۷۸، ص. ۳
- ۱۰- صبح امروز، ۱۴ مرداد ۱۳۷۸، ص. ۵
- ۱۱- همار، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۹، ص. ۱۰
- ۱۲- همان.
- ۱۳- همان.
- ۱۴- آفتاب امروز، ۲۰ بهمن ۱۳۷۸، ص. ۴